

۶-۲ جلسات گفتگو با مولفان:

۶-۲-۱ معرفی، نقد و بررسی کتاب شاهنامه از دستنویس فلورانس اثر دکتر

عزیزالله جوینی

تاریخ برگزاری: ۱۳۹۱/۱۰/۰۷

نشست نقد و بررسی کتاب شاهنامه از دستنویس فلورانس با حضور مولف کتاب جناب آقای دکتر عزیزالله جوینی در تاریخ ۱۳۹۱/۱۰/۷ در محل سالن اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

این نشست تخصصی با حضور استادان و دانشجویان رشته‌های زبان و ادبیات فارسی برگزار شد.

در آغاز پس از تلاوت قرآن کریم دکتر حسینعلی قبادی، رییس گروه زبان و ادبیات فارسی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی دانشگاهها ضمن خوشامدگویی در مقدمه ای به معرفی شورای بررسی متون و گروه ادبیات پرداختند. در ادامه ایشان توضیح دادند: برای نقد کتاب ۵ جلدی شاهنامه از دستنویس فلورانس، هر جلد از سوی دو داور بررسی و پس از بازبینی داورها در جلسه گروه جمعبندی نظر داوران استخراج و برای مولف ارسال شده است. مؤلف ضمن تشکر از بررسی های به عمل آمده درخواست داشته‌اند که در جلسه گروه به بررسی و نقد کتاب پاسخ بدهند. به همین منظور در حال حاضر در خدمت استاد محترم جناب آقای دکتر عزیزالله جوینی هستیم که پس از قرائت جمعبندی نظر داوران از سوی جناب آقای دکتر رضایی جمکرانی نظر استاد را خواهیم شنید.

در ادامه دکتر جمکرانی امتیازات و کاستی‌های کتاب را به شرح زیر ارائه دادند:

ایشان در بیان امتیازات کتاب به لحاظ شکلی گفتند:

۲۲۶ نقدنامه زبان و ادبیات فارسی و زبان‌های باستانی

کتاب مفید و آموزشی است و در شرایط فعلی شاید بهترین کتاب در خصوص شرح و توضیح شاهنامه باشد و می‌تواند به عنوان یکی از منابع اصلی برای مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری مورد توجه قرار گیرد.

گزارش واژگان دشوار و برگردان واژگان ابیات به فارسی بسیار روان و رسا و آموزشی نوشته شده است.

بخش مربوط به متن شاهنامه که به نثر نوشته شده به فارسی سلیس است و بدون واژگان تازی گزارش شده و از این نظر دارای جایگاه ویژه است.

برای درست و آسان تلفظ شدن کلمات از نشانه‌ها مثل کسره استفاده شده است.

از منابع بدون ذکر مأخذ در این اثر استفاده نشده است.

تهیه فهرست ابیات بحث انگیز برای سهولت یافتن آن‌ها در متن نیز از نقاط قوت این اثر است.

در بیان امتیازات کتاب به لحاظ محتوایی گفتند:

مصحح محترم از چاپ مسکو و نسخه بدل‌های آن و از متن دکتر خالقی مطلق و پانوشته‌های و نیز از ترجمه پنداری و چاپ هند و چاپ دکتر دبیر سیاقی استفاده کرده است و موارد اختلاف ضبط نسخ با نسخه فلورانس به خوبی نشان داده است.

این اثر در قیاس با کارهای تصحیحی دیگر از نظم منطقی و انسجام بسیار خوبی برخوردار است و از اصطلاحات فن تصحیح مانند «اقدام نسخ»، «نسخه بدل»، «تصحیح انتقادی» و ... به خوبی استفاده کرده است.

اثبات اقدمیت نسخه فلورانس نسبت به سایر نسخ موجود است که مصحح شالوده کار خود را محکم ساخته است.

در ادامه در مورد نقاط ضعف کتاب به لحاظ شکلی گفتند:

نسخه مورد بحث (فلورانس) بر مبنای زبانی گونه‌ای نگارش شده است و از این جهت تفاوت‌های مختلف آوایی و صرفی و نحوی با نسخ دیگر دارد.

مواردی هست که نسخه بدلها خاصه چاپ مسکو بر متن ترجیح دارد مثل ابیات مربوط به

بخش دیباجه: ۵، ۱۱، ۲۰، ۵۳، ۶۶، ۸۰، ۱۸۰، ۱۹۷ / بخش گیومرث: ۶، ۸، ۱۹ / بخش

هوشنگ: ۵ / بخش طهمورث: ۲۴، ۳۵ / بخش جمشید: ۱۰۸، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۷۰، ۱۸۷ /

معرفی، نقد و بررسی کتاب شاهنامه از ... ۲۲۷

بخش ضحاک: ۴۷، ۴۸، ۷۹، ۸۲، ۱۴۵، ۱۵۹، ۱۶۳، ۲۱۱، ۲۳۵، ۲۳۴، ۲۴۵، ۲۸۶، ۲۹۴، ۲۹۵، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۴، ۳۵۶ و ۳۹۱.

ابیاتی را که دکتر خالقی مطلق الحاقی دانسته، استاد دکتر جوینی بدون اشارت بدانها از آنها گذشته است. دیباجه: ۷۵، ۷۸ - که در این خصوص آقای دکتر زریاب خوبی نیز این ابیات را در مقاله‌ای که در آخر کتاب آقای دکتر جوینی از ایشان آورده، آنها را الحاقی دانسته است (ص ۶۶۳). همچنین در دیباجه ابیات ۸۵ تا ۸۹.

تصحیح قیاسی در متن اثر موجود است که هم با روش ایشان مغایرت دارد و هم نادرست است. دیباجه: بیت ۱۰۵ - در خصوص واژه «دکر» و «وگر» دست است و نیز جلد ۴ ص ۱۴۵ بیت ۱۱ - «ویرخرم» که در اصل «دین خرم» است که اشاره به آیین مزدک دارد. اغلاط مطبعی: پیش گفتار ص ۳۶: «استاد مینو» - درست «استاد مینوی» است. ص ۳۹ و ۲۸۳: «عدم رأیت حق» درست «عدم رؤیت حق»

اغلاط غیر مطبعی: دیباجه - درست - دیباجه/ بشرایم - بشرایم درست است ص ۷۳ و ۷۵/ ابیات دیباجه - سراینده - درست: سراینده ص ۷۴/ پاسخ = گزارش خواب - در حالی که تأویل و تعبیر خواب درست است ص ۱۹۲/ سهی = راست - در حالی که به معنای دیدنی و تماشایی و خوش منظر است ص ۲۵۲ بیت ۶/ بخت - فره ایزدی - در حالی که این واژه در ارتباط با ضحاک است که او فاقد فره است - بخش ضحاک بیت ۶۵.

در باره کاستی های کتاب به لحاظ محتوایی نیز به موارد زیر اشاره داشتند: در تبیین و شرح ابیات به اندازه کافی به آیات و روایاتی که فردوسی به آنها التفات داشته، توجه نشده است: ابیات ۱ تا ۱۰ و ۲۴، ۲۶، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۴، ۶۵، ۶۷، ۷۱، ۷۲، ۷۳ و ۹۷.

مواردی هست که شرح شارح محترم ناتمام است یا اصلاً در آن باره توضیحی نداده است: دیباجه: بیت ۶۰ (مردم) / ۱۰۴ (دروغ و فسانه) / ۱۱۵ (باستان) / ۱۵۲ و ۱۵۳ (نژد و نهیب) / ۱۵۸ (نهنگان) / ۱۹۲ (پاسخ) / ۲۰۰ (گندآوری) / ۲۰۲ (کمر) / بخش کیومرث: ۴ (پرورش) / ۷ (دد و ددم) / ۸ (فره) / ۹ (نماز و کیش) / ۳۱ (خدیو) / ۳۸ (کی) / ۴۸ (هوش و فرهنگ) / ۵۵ (پری) / بخش جمشید: ۸۵ (دین) / ۱۳۳ (پادشاه) / ۱۴۸ (جاوید) / بخش طهمورث: ۵۱ (مرگ) /

۲۲۸ نقدنامه زبان و ادبیات فارسی و زبان‌های باستانی

۵۴ (سوک) / بخش ضحاک: ۳۹ (کرد) / ۵۲ (دُماوند) / ۹۵ (آفریدن) / ۱۲۳ (رستخیز) / ۲۷۶ (کاوینی درفش)

اسامی خاص مثل «کیومرث»، «هوشنگ»، «جمشید»، «سیامک»، «کاو» و ... توضیح داده نشده است.

در خصوص بیت ۱۷ ص ۲۱۲ از دیباجه لازم است که واژه «سخنگوی» مورد بحث قرار گیرد که آیا مقصود «محدّث» است یعنی مرحوم شیخ کلینی که شبیه همین تعبیر را در کتاب «العقل و الجهل» کافی ج ۱ ص ۱۰ به صورت حدیث نقل کرده است و یا شاید «سخنگویی» اشاره داشته باشد به سخنگوی کتاب مینوی خرد به تصحیح احمد تفضلی.

پذیرش اسماعیلی بودن فردوسی از سوی مصحح قطعاً قابل مناقشه است و در شرح ابیات ایشان اثر منفی گذاشته است.

از حواشی بسیار مفید دکتر معین بر برهان قاطع در خصوص معانی اصیل واژگان و تبار آنها استفاده نشده است.

از کارهای کریستین سن خاصه دربارهٔ کیانان و از بعضی تحقیقات احمد تفضلی در ارتباط با واژه سهی و نیز از کارهای خوب عطاءالله مهاجرانی دربارهٔ دیباجه شاهنامه و نیز از کار ارزشمند دکتر احمد مهدوی دامغانی و کتاب «بوسه بر خاک پای حیدر» آقای ابوالحسنی منذر در خصوص مذهب فردوسی استفاده نشده است.

در مواردی در گزارش لغات و ابیات به منابع مهم و مرتبط با متن مراجعه نشده است مثل کتاب «سایه‌های شکار شده» دکتر بهمن سرکاراتی دربارهٔ «ویر»، «وین» یا «دین» و علی رواقی «باز هم شاهنامه را چگونه باید خواند؟» - نامه انجمن، شماره ۱۳، بهمن ۱۳۸۲، صص ۱۹ - ۳۱.

در مقدمهٔ جلد دوم دربارهٔ نام شاهنامه بحثی ناقص و کوتاه مطرح شده در حالی که با مراجعه به مقاله آقای دکتر جلال متینی به نام «در معنی شاهنامه» می‌توانستند این بحث را کاملتر بنویسند. - سال دوم، ۱۳۶۹، صص ۷۴۲ - ۷۴۵

دکتر جمکرانی در ادامه پیشنهادهایی را نیز که جمع‌بندی گروه بوده است را به شرح زیر خطاب به مولف کتاب بیان داشتند:

معرفی، نقد و بررسی کتاب شاهنامه از ... ۲۲۹

مؤلف محترم به همین سبکی که شاهنامه را شرح و تصحیح کرده‌اند، توصیه می‌شود خلاصه‌ای از کل شاهنامه برای تدریس کارشناسی ارشد و دکتری تدوین کنند. شارح لازم است که به برخی از مسائل سبکی و دستوری شاهنامه نیز اشاره کنند. به تصحیح شاهنامه دکتر دبیر سیاقی، بروخیم و ژول مول توجه شود و از آن استفاده گردد. به اشارات قرآنی و احادیث نبوی متن بیشتر توجه شود. برای تکمیل مباحث از نوشته‌ها و دیدگاه‌های شاهنامه‌شناسی همچون دکتر مهرداد بهار، دکتر ذبیح الله صفا (بویژه حماسه سرایی در ایران) و در برخی موارد از نسخه مصحح دکتر مهدی قریب و نظریات وی استفاده شود.

در ادامه دکتر عزیزالله جوینی مؤلف کتاب شاهنامه از دستنویس فلورانس در پاسخ به موارد مطرح شده نظرات خود را به شرح زیر بیان داشتند:

از این که کتاب شاهنامه موزه فلورانس با گزارش بنده، در این گروه مورد ارزیابی قرار گرفته مایه بسی شادی گردید و از استادان شما کمال سپاسگزاری را دارم.

اکنون چند مورد از آن را به اجمال به عرض می‌رسانم، بقیه را اگر توفیقی حاصل شد دستنوشته فلورانس را با دیگر نسخه‌های خطی، چاپی سنگی، و غیر سنگی تا سال ۹۱ مقایسه می‌کنم و خوب و بد این شاهنامه‌ها را توضیح خواهم داد.

قبل از توضیح باید عرض کنم چاپ متن فلورانس؛ در سال ۱۳۹۰ در روز پژوهش، بهترین پژوهش دانشگاهی معرفی گردید. در سال ۱۳۹۱ پرفروش‌ترین کتاب سال شد. و در همایشی به شرکت بنیاد شاهنامه و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی لوح زرین گرفت.

اکنون جلد هفتم شاهنامه موزه فلورانس در حال انتشار یافتن است. و جلد هشتم در حال آماده شدن برای تحویل به بخش حروف نگاری است و جلد نهم کشف‌الایات (نمایه) خواهد بود. سپس اگر عمری باشد تا مرگ رستم از دستنوشته لنینگراد کار خواهیم کرد (در دو جلد) و ضمیمه نسخه فلورانس خواهد شد (البته دستنوشته فلورانس تا ناپدید شدن کیخسرو در میان برف و باران است و نیمه دوم گم شده)

الحاقی بودن ابیات خود داستان شنیدنی دارد که باید در یک جلسه گفتگو مطرح گردد. قضیه دکتر زریاب خوئی که مقدمه شاهنامه را بررسی کرده، نوشته است فردوسی اسماعیلی

۲۳۰ نقدنامه زبان و ادبیات فارسی و زبان‌های باستانی

(فاطمی) است - مذهب فردوسی - اگر کسی آنچه که بنده در جلد اول (در تجدید چاپ آن) آورده‌ام همراه با مقاله دکتر زریاب در آخر کتاب خوب بخواند حتی اگر بتواند دوبار بخواند، بر آن باورم که مشکلی در اسماعیلی بودن فردوسی باقی نخواهد ماند. درمورد اغلاط مطبعه‌ای باید بگویم هم در همین روزهاست که باید جلد هفتم منتشر شود و هم جلد اول (چاپ چهارم) و جلد چهارم (چاپ دوم) چاپ گردد، بنده غلط‌های به جا مانده از آغاز تا چاپ چهارم (جلد ۱) را اصلاح کردم و هم چند مورد دیگر را با تذکر شما در حروف‌نگاری خود دیدم که اصلاح گردید. اگر در ابیات اشاره صریح به مضمون نهج‌البلاغه و اشعار عرب و قرآن کریم داشته این کار را کرده‌ام و گرنه بی‌خود معنی شعر فردوسی را مضمون آیه‌ای قرار دادن از ناشی‌گری ناشی می‌شود و چندان هنر نیست که به صورت کلیشه‌ای بر حجم کتاب بیفزاییم و خواننده را از خواندن بیزار کنیم.

مثلاً در دیباچه کتاب (بیت ۱۷)؛ چه گفت آن سخن گوی مرد از خرد. بگوئیم اشاره به کلینی یا مینوی خرد و مانند آن است که تیر به تاریکی انداختن و شک و تردید را افزون کردن، هیچ بر فضل کسی نمی‌افزاید.

از این دست‌نوشته فلورانس داستانهای شاهنامه بنا به مصلحتی در انتشارات تهران کتبی جداگانه به همان سبک و سیاق کتاب، چاپ شده و منتشر گردیده است.

بنده در ضمن کار متوجه شدم که تا نسخه‌ها را با هم مقایسه نکنیم خوب و بد آن معلوم نمی‌شود، من دیدم که نسخه فلورانس که در ۶۱۴ است با قاهره (۷۴۱) و لنینگراد (۷۳۳) و نسخه فرهنگستان مسکو (ش ۴) IV تقریباً ۹۵٪ هماهنگی دارد و دست‌نوشته دیگر فرهنگستان (ش ۶) IV تقریباً ۸۰٪ همخوانی دارد و پس از اینها بقیه دوازده نسخه خالقی مطلق برای تأیید نسخه فلورانس یا تأیید نکردن خوب‌اند. بعد از همه اینها دیگر چاپهایی که از نسخه ماکان و فولرس تهیه شده ارزش علمی ضعیفی دارند. بخصوص چاپ بروخیم به وسیله سعید نفیسی و چاپ دکتر دبیر سیاقی از ماکان و فولرس که شامل اغلاط فراوانند.

ضمناً نسخه بریتانیا را استاد دانش‌پژوه می‌گفتند که تاریخش جعلی است یعنی چند صفحه اول و آخر را کاتبی از دست‌نوشته دیگری ترمیم کرده و نوشته کتبت هذه النسخه محرم سنه خمس و سبعین و ستمائه کذا فی منقول عنه که این تاریخ از آن نسخه منقول عنه است نه از بریتانیا و از این گذشته در نقطه‌گذاری بسیار بی‌دقت بوده مثلاً شما «تبر» را؛ نیز، بتر، تبر، تتر،

معرفی، نقد و بررسی کتاب شاهنامه از ... ۲۳۱

ببر، می‌توانید بخوانید و نسخه مسکو در ردیف هشتم و نهم نسخه‌ها قرار می‌گیرد. و این حدس که بعدها تبدیل به یقین شد از استاد محمدتقی دانش‌پژوه است. در پایان نشست زمانی نیز برای پرسش و پاسخ اختصاص داده شد.

